

دیدگاه و تحلیل " حزب ملت ایران " بر رویدادهای انتخاباتی

"حزب ملت ایران" طی بیانیه ها و نوشتارهایی از سالها پیش همواره گفته و اعلام نموده است، انتخابات آنگاه می تواند زمینه ساز جامعه ی دموکرات و آزاد باشد که بدون تبعیض و عبور از موانع و فیلترهای گوناگون انجام شود، تا بتوانند مردم آزادانه در سامانی پارلمانی حق طبیعی و قانونی خود را در گزینش نماینده ی واقعی خود به کرسی بنشانند.

با تاسف آن گفته ها و نوشته ها هرگز شنیده نشد و در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری نیز باز در بر همان پاشنه و روال غیر قانونی چرخید.

گفتیم اگر پیش شرط های انتخاباتی سالم و قانونی برآورده نشود به معنای نادیده انگاشتن اراده ملت است .

در آن صورت ما از آن کناره می گیریم ،علیرغم این هشدارها پس از برگزاری انتخابات، جامعه با اعتراض و نا آرامی های بی سابقه ای روبرو شد.

که منجر به بازداشت فعالان سیاسی از طیف های مختلف جامعه گردید که غالیا بدون هر اتهامی و حرکت خلاف قانون اساسی به شیوه های بسیار شک برانگیز بر اساس طرح از پیش آماده شده مبارزانی، که با اشاره به تعدادی از آنها همچون "مهندس کورش زعیم" ملت گرایی که جز به آزادی و سربلندی ایران نیندیشیده یا "عبداله مومنی" و "احمد زیدآبادی" مبارزانی صادق از رهبری ادوار تحکیم وحدت، "دکتر عبدالله رمضان زاده" استاد دانشگاه سیاستمداری معتدل و فهیم و آزادی خواهی واقعی، "مهندس صفایی فراهانی" سیاستمداری صادق و کارآمد، "دکتر عبدالفتاح سلطانی" وکیل سرشناس دادگستری مدافع حقوق بشر، "دکتر محمد علی ددخواه" وکیل میهن پرست از مدافعان حقوق بشر، "خانم شادی صدر" وکیل و فعال حقوق زنان، "محمد رضا جلایی پور" مبارزی آگاه، "دکتر محمد ملکی" نخستین رییس دانشگاه تهران، مبارز دیرپا با پیشینه ی پر بار بیش از ۵۰ سال مبارزه با استبداد و یا "عیسی سحر خیز"، "مهندس محمد توسلی" و شمار بسیاری دیگر از هم وطنان به ویژه جوانان میهن پرست، دامنه بازداشت ها چنان گسترده بود که با وجودیکه شماری از آنها با اخذ وثیقه های سنگین آزاد شدند ولی با اندوه بسیار شماری از این فرزندان میهن کشته و عده ای مجروح و تعدادی زیاد هنوز در زندان به سر می برند که اکثرا به گناه ناکرده در بندند، و زیر فشارهای طاقت فرسا برای گرفتن اعترافات نمایشی و تلویزیونی هستند . گرچه بر هر کسی روشن است اینگونه اعترافات غیرقانونی و دادگاههای نمایشی نتیجه ای جز ایجاد جو نفرت و بدبینی نسبت به حاکمیت در بر نخواهد داشت.

در چنین برهه ای ، "حزب ملت ایران" که پیوسته در همه فراز و فرودها درفش ملت گرایی را پر امید بر افراشته است اعلام می دارد تنها راه پایان دادن به این نارسایی ها و نا هنجاری ها و فضای بسته موجود "استقرار حکومت مردم سالار" میدانند که برای دستیابی به آن با ایجاد وحدت و همدلی مبارزان راستین در صفی واحد به کوشش آزادخواهانه به دور از خشونت ادامه داد.

"هم میهنان"

خبر کوتاه بود در واکنش به نتیجه انتخابات و نتایج حاصل از آن : مردم به خیابانها ریختند و فریاد آزادی سر دادند، در مقابل کاربدستان که در درازای سی سال فرمانروایی به خواسته های قانونی و به حق مردم بی اعتنا بودند یکباره و با کارزاری به پهنه میهن مان ایران روبرو شدند. از رویدادها پند گیریم و بکوشیم و دریابیم چه باید کرد و چه نباید کرد تا همبستگی ملت و یکپارچگی میهن تضمین شود.

"باز شناسی ویژگی جنبش های مردمی"

همچون تمامی حرکت های مردمی، جنبشهای اعتراضی مردم به انتخابات دهم دوره ریاست جمهوری را نیز می توان در مولفه های زیر بیان کرد:

۱- همه گیر بودن و سراسری بودن جنبش اعتراضی که در سی سال اخیر بی سابقه است. فارغ از چگونگی شکل گیری آن و چگونگی ادامه آن باید به راستی ادعا کرد : یک برگ از تاریخ میهنمان را ورق زد.

۲- بروز جنبشها در جوامع، منجر به فراهم آوردن موقعیت های ویژه ای در آن جوامع می شوند. از آنجا که هر جنبش اجتماعی به مثابه آزمایشگاه بزرگی است که در پرتو آن می توان به شناخت روحیات مردمی که در آن شرکت کرده اند و چگونگی صف بندیها و شکل گیری های موجود جامعه در آن مقطع تاریخی دست یافت. حاصل اینکه جنبش های اجتماعی مبین درک بهتر از ماهیت جامعه و ساختارهای واقعی آن که اغلب در وضعیتهای عادی قابل رویت نیستند، نقش بسیار مهم ایفا می کنند.

۳- شرکت در مبارزات اجتماعی با خود، همدردی و وابستگی های عاطفی ملی به همراه دارد. بویژه، در وضعیتی نظیر آنچه ما در کشورمان امروز شاهد آن هستیم که با ایجاد جو اختناق این بار عاطفی میان مردم بخصوص آنان که از نزدیک شاهد سرکوبها، کشته شدنها و بازداشت جوانان، زنان و مردان هستند، بسیار شدیدتر است.

این احساس نزدیکی و هم بستگی و همدردی با یکدیگر از جنبه های بسیار مثبت هر جنبش مردمی است.

باید هوشیار بود، مقاطعی که سرشار از بارهای عاطفی طبیعی است، خود می تواند سبب کاهش مراقبت از جنبش و ندیدن کاستی های آن نیز بشود. از این رو آنان که اهل اندیشه هستند و دل در گرو آزادی و سربلندی میهن و ملت دارند، می باید با فاصله به بررسی جنبش و جنبه های مثبت و منفی آن همت گمارند و آن را صادقانه با دیگران در میان بگذارند و با رویی گشاده و ذهنی مدارا جویانه آماده شنیدن نظرها و اندیشه های دیگران باشند و در راستای کشف دلایل و علت های وجود آمدن چنین جنبش هایی اگر تنها به دنبال "چراها" باشیم نخواهیم توانست ارزیابی درستی از آن بدست آوریم. حال آن که اگر در کنار "چرایی"، "چگونگی" شرکت مردم و راه اندازی آن را نیز مد نظر قرار دهیم، احتمالاً به درکی دقیق تر از جنبش خواهیم رسید تا از این رهگذر بتوان به آزادی و جامعه ای مردم سالار رسید بدون اینکه آبی شویم به آسیاب استعمار. اکنون روی سخن با دولتمردان است که هر چه زودتر در رفع کاستی ها و بی عدالتی ها بکوشند و از درجه بندی کردن ملت پرهیز کنند. به باور ما علت این چرایی و چگونگی را می توان در ۵ عامل زیر جستجو کرد:

تحقیر ملی

هر فرد و هر ملتی در برابر تحقیر، تحقیر هویت، تحقیر ملی، تحقیر شخصیتی، تحقیر قومی و ... واکنش منفی نشان می دهد و در بزنگاههایی از تاریخ هر ملت این واکنش به تحقیر می تواند سبب ساز بسیاری از جنبش های اجتماعی و حتی انقلاب ها باشد. تاریخ می نویسد: *ایرانی ها همواره در برابر تحقیر واکنش های تند نشان داده اند.*

از زمان دولت نهم از یک سوی به دلیل برخوردهای تحقیرآمیز دستگاههای دولتی چندگانه انتظامی و امنیتی و حتی مالی حامی دولت با جوانان، دانشجویان، زنان، متخصصان، کارآفرینان، کارگران، فرهنگیان و ... و از دیگر سوی به دلیل اشغال همه پست های کلیدی و حتی پایین دولتی، بانکی، دانشگاهی و مالی به دست حامیان و حلقه های خاص آنان که دارای کارایی در حد قابل قبول نبودند، مردم بویژه جوانان و قشرهای میانه جامعه از داشتن چنین دولتی احساس تحقیر می کردند. گرچه کاربردستان کوشیدند با تکیه بر خصوصیت تاریخی ایرانیان با به راه انداختن یک موج کاذب ناسیونالیستی این تحقیر را دور بزنند و خود را سکاندار حرکت عظمت خواهی مردم ایران جا بزنند ولی موفق نبودند.

ایرانی ها مثل هر ملت کهن سال دیگر که از پیشینه و فرهنگي چند هزار ساله برخوردار هستند، بگونه ای که در آن دنیای دور ایرانیان بخشی از جهان را اداره می کردند و در آن روزگار نخستین امپراتوری جهان را بنیاد گذاردند و امروز خود را در جایگاهی بسیار پایین تر می بینند که شیخک های حاشیه خلیج فارس با قدمتی حدود ۷۰ سال به حقوقش تجاوز می کنند یا از اجلاس سران دریای کاسپین حذف شده و به حقوق حاکمیتی و مالکیتی او تجاوز می شود.

در قضیه اتم هم هرچند نوعی غرور ملی در مردم رشد کرد که به اصطلاح قدرت جهانی شده ایم ولی از آنجا که دولت نمی توانست و نتوانست نماد ناسیونالیسم ایرانی را به رغم وجود رگه های قوی ضد عربی در او و اطرافیان نزدیکش در مردم رشد دهد و این غرور برانگیخته شده ی ساختگی دولت نتوانست در دل ملت جای گیرد.

خروش بی نظیر میلیونی مردم پاسخی بود به این احساس تحقیر که حتی در زبان مردم کوچه و بازار هم به ساده ترین و در عین حال ژرفترین شکل آن بیان می شد که "به ما توهین شد"، "به ما بی احترامی شد"، "به ما برخورد"، "صد! و سیما به ما دروغ گفت" و در نهایت هم شعار "خس و خاشاک" خواندن این مردم و در مقابل، تعداد میلیونی حضور مردم را کمتر از رای دهندگان یک حوزه رای گیری کمتر از پنج هزار نفر بیان کردند.

سرخوردگی

سرخوردگی را می توان ناشی از فاصله ای دانست میان موقعیتی که انسان در جامعه دارد و موقعیتی که فکر می کند مستحق آن است ولی بدست نمی آورد یا آن را دست یافتنی نمی یابد.

جوانان و همه ی مردمی که به اصلاحات اعلام شده ی محمد خاتمی رای دادند و دلبسته بودند پس از یک دوره هشت ساله با واقعیتی روبرو شدند که با امیدها و آرزوهایشان فاصله بسیار داشت. فاصله ای که نتیجه ای جز سرخوردگی و کنار کشیدن از شرکت مستقیم در امر سیاست نداشت. در دوران چهار ساله دولت نهم هم که همراه بود با قدرت نمایی ها و یکه تازی های بی در و پیکر دولت و سازمان ها و افراد و بی تجربه ریز و درشت و نهادهای مالی و نظامی و اطلاعاتی که همان فضای نسبی دوران خاتمی هم از بین رفت و نظام سیاسی ایران بیش از هر زمان دیگر بسته تر شد که برای هر انسان آگاه در دل بیمناک آینده کشور، تمامیت ارضی مان حقوق بشر و آزادیهای قانونی بود.

با شروع انتخابات و احساس بوجود آمدن روزنه ای هر چند کوچک در فضای آن، این سرخوردگی فرو خفته ی جمعی به یک باره به نیرویی از خواسته ها و تمایل ها و آرزوها و مطالبات اصلاحی تبدیل شد و در بیان خود قدرتی به شکل انفجار همگانی و همه جانبه یافت.

۳- هویت طلبی

جنبش اخیر مردم ایران، حرکتی بود فراگیر که از همه قشرها و لایه های اجتماعی در آن شرکت داشتند. ولی کارمایه اصلی آن را جوانان، زنان، روشنفکران و از سوی دیگر حضور پر رنگ و فعال لایه های میانه جامعه تشکیل دادند شرکت چشم گیر و فعال جوانان و زنان در این حرکت از منظر طرح هویت و هویت جویی از دو جهت قابل بررسی است:

نخست مقابله با شیوه های فراوان جوان ستیزی کاربدستان به ویژه برخورد نیروهای انتظامی در کوی و برزن که پس از دو سال از انقلاب شامل حال جوانان شد. خواست هایی نظیر آزادی های مدنی، آزادی پوشش منطقی، آزادی انتخاب، آزادی انتخابات و نوع زندگی و ... وجه دوم هویت خواهی جنبش فراتر از حکومت می رود و به یک معنا در برابر کل جامعه یا بخش بزرگی از آن قرار می گیرد به این معنا که واکنشی است در برابر رفتار پدر سالارانه جامعه و خانواده با آنان و از سوی دیگر این طغیان عکس العملی است به تصویر کشیده شده از جوانان که گویا همه آنان فکر و ذکری جز پول و ماشین و سکس ندارند و گویا نه غم کشور دارند نه غم مردم!

این هویت طلبی در خصوص زنان نیز از مدتها پیش بصورت منسجم در بخش فعال و پیشرو آنان شکل گرفته است. هویت خواهی زنان نیز از دو وجه قابل بررسی است:

یکم در برابر حکومت و قانون های تبعیض آمیز زن ستیزانه موجود است که در خواسته های آنان در برابر حقوقی - سیاسی و اجتماعی منعکس است.

دوم در مبارزه با باورهای مرد سالارانه جامعه و خانواده.

۴- وضع اقتصادی

با وعده آوردن پول نفت بر سر سفره ی مردم در دوره پیش پیروز انتخابات می شوند ولی همان اندک نان سفره ی مردم را هم در دوره چهار ساله دولت نهم از سفره تهی آنان برچیدند؛ گرانی سرسام آور زندگی، رشد بی سارقه تورم، رشد بیکاری، رشد اختلاس و رشوه، رشد باور نکردهی اجاره خانه و مایحتاج اولیه زندگی و به نارضایتی شدید مردم از کاربدستان و روی گردانی گسترده ی آنان از دولت انجامید. بدیهی است که این نارضایتی های همگانی در انتخابات اخیر سهم مهمی داشته است.

۵- آزادی

مردمی که از گرانی و تورم و هزینه های کمرشکن زندگی جانشان به لب رسیده بود، مردمی که شاهد دستبرد وقیحانه به ثروتشان به دست عده ای بی تجربه و سوء استفاده گر بودند. شمار زیادی از مردمی که نتیجه ی بی اعتنایی خود در انتخابات قبلی را در روی کار آمدن دولت نهم دیده بودند. این بار شرکت در انتخابات را (به رغم همه محدودیتهایی که شورای نگهبان بوجود آورده بود.) کاری عاقلانه و منطقی ارزیابی کردند با این تصور که روزنه انتخابات فرصتی است تا باعث تغییر دولتمردان و دولت نهم شوند و به سوی جامعه ای قابل تحمل تر گام بردارند. اینگونه حرکت میلیونی مردم تبدیل به یک باور عمومی شد و این حرکت و باور با واژه آزادی گره خورد و کلمه سحرآمیز آزادی پهنه ی وسیعی از خواست ها و مطالبات ملت شد. این حرکت عظیم مردمی همانگونه که پیشتر بر شمردیم یکبار دیگر، بسیار ژرفتر از پیش مردم را به نیروی خود آگاه کرد که به راستی "میزان رای ملت است" باید آن را قدر نهاد و پاسداشت، نه خواست و اراده ی فردی و این بود که این بار بخش بزرگی از ملت ایران با خیزش همگانی خود در مقام عامل تعیین کننده مطرح شد.

این جنبش موقعیت ویژه ای برای نسل جوان ایران بود که با نیرویی شگرف در اجتماعی بزرگ شرکت کردند. آن گاه که نسلی در چنین تجربه عظیمی شرکت می کنند برای یک دوره تاریخی این تجربه را با خود می برد و از آن

بهره می گیرد. از درون چنین تجربه های بزرگی است که متخصصان سازماندهی و مدیران آینده جامعه می توانند تربیت شوند و درس بیاموزند و سر برآورند.

هم میهن، نسلی که دوران انقلاب و پس از آن دنیا آمد و امروز به سن ۲۵ تا ۴۰ سالگی رسیده است، چنین سرکوب خونین و همه جانبه ای را تجربه نکرده بود، حال آنکه امروز تمامی یک نسل و یک جامعه با این تجربه روبرو است.

هم میهن، امروز این نسل بهتر درک می کند که چرا دو نسل پیش از انقلاب این همه بر کودتای ۲۸ مرداد پای می فشارند و چگونه آن کودتا در روح و روان دو نسل، آن تاثیر مخرب را بر جای گذاشت و مملکتی را از سیر طبیعی خود بازداشت. این جنبش مدنی پیش داوریهای منفی درباره ملت ایران را تغییر داده به جهان نشان دادند آن تصویری که از آنان در جهان ساخته اند نه از آنان که در بسیاری موارد عملکرد اقلیت حاکم است که مطاع خشونت و سرکوب و اتهام را رواج داده است.

همدردی و همبستگی و پشتیبانی جهانی از جنبش اخیر مردم ایران به یاد ماندنی است. این همدردی و پشتیبانی خود جوشی که مردم دنیا با مردم ایران نشان دادند در مقایسه با پشتیبانی از مبارزات مردم دیگر کشورها هم بی سابقه بود، شاید با تنها نمونه ای که می توان مقایسه کرد همدردی و همبستگی مردم این کشورها با مبارزات جنبش همبستگی مردم لهستان در دوران پیش از فروپاشی شوروی می باشد. از دیگر پیامدهای جنبش می توان به شکاف میان ملت و حکومت، شکاف میان روحانیت و دولت، شکاف میان اصولگرایان، شکاف میان نیروهای انتظامی و امنیتی به علت ساختارهای وجودی آنها اشاره کرد.

در سطح بین المللی: تاثیر جنبش در روابط ایران با غرب و کشورهای منطقه رابطه جمهوری اسلامی و ملت های مسلمان، رابطه جمهوری اسلامی با حامیان منطقه ایش و از سوی دیگر سیاست جدید آمریکا که در منطقه سیاستی مغایر با دولت بوش در پیش گرفته است با خروج بخش عمده ی نیروهای خود از عراق و کوشش در کاستن تنش میان مردم عراق و آمریکا یا نزدیکی محتاطانه ولی روز افزون آمریکا و سوریه، با تغییرات هنوز نه چندان آشکار اما قابل مشاهده در رابطه میان حماس و آمریکا، روسیه و آمریکا علیه جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی را به نازلترین موقعیت خود در دهه اخیر در منطقه قرار داده است. یا سیاست یک بام و دو هوا درباره مردم مسلمان چچن و کشتار آنها سکوت می شود درحالیکه رابطه بسیار نزدیکی با حماس و حزب اله دارند. کاربردستان بدانند روسیه و حماس و حزب الله و اسراییل و بالاخره بیگانگان نخواهند جز سود خویش؛ باید به مردم روی آورد.

هم میهن، با توجه به وضعیت کنونی میهنمان و صف بندیهای موجود در آن و روحیه حاکم و اوضاع بین المللی امروز، امکان رسیدن به آزادی و سربلندی از راه های غیر قهرآمیز وجود دارد.

حزب ملت ایران بر این باور است که ما نه تنها نمی باید مشوق و مبلغ راه خشونت آمیز باشیم بلکه باید آگاه باشیم از راههای قانونی و مدنی بدور از سرکوب و خشونت دو سویه خواسته های قانونی خود را پی گیری کنیم و دولتمردان هم آستانه بردباری و تحمل خود را در مقابل خواست به حق ملت افزایش دهند و بدانیم از دل قهر و خشونت کور، اغلب نه فرشته آزادی که هیولا زاده می شود.

میزان رای ملت است

برچیدن زندان سیاسی یک خواست ملی است

همبستگی ملی در سایه آزادی و عمل به قانون میسر است نه سرکوب

آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی خواست ملت ایران است

دبیرخانه حزب ملت ایران

تهران/ 10 مهر ماه ۱۳۸۸ خورشیدی